



نقد اباحه‌گری به بهانه محبت اهل بیت(ع)

چگونه می‌توان مدعی محبتی شد که به دنبال آن همراهی و هم‌گرایی نباشد و میان محب و محبوب هیچ گونه سنخیتی در عمل و منش مشهود نباشد؟

چگونه می‌توان مدعی محبتی شد که به دنبال آن همراهی و هم‌گرایی نباشد و میان محب و محبوب هیچ گونه سنخیتی در عمل و منش مشهود نباشد؟

به گزارش خبرنگار مهر، یادداشت پیش رو به قلم حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی نصیری، رئیس مؤسسه معارف وحی و خرد به نقد توجیه بسندگی محبت اهل بیت(ع) برای سعادت و نجات و عدم نیاز به عمل می‌پردازد؛

گروه‌هایی از اجتماع دین‌داران در اثر تلقی نادرست از مفهوم محبت و ولایت اهل بیت(ع) بر این گمان‌اند که محبت آنان اکسیری است جامع که به هیچ ضمیمه‌ای نیاز ندارد. پیداست که اگر شخصی ناآشنا به آموزه‌های دینی، به چنین باوری برسد که تنها راه نجات، محبت قلبی اهل بیت(ع) است و با داشتن یا ادعا کردن چنین محبتی هر کاری برای او رواست، دیگر نمی‌توان پای‌بندی به شریعت با انجام کامل واجبات و ترک محرمات را از او انتظار داشت.

مدعیان کفایت محبت اهل بیت(ع) برای نجات، به روایتی از پیامبر اکرم(ص) استناد می‌کنند که فرمود: حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حَسَنَةٌ لَا تَضُرُّ مَعَهَا سَيِّئَةٌ وَبُغْضُهُ سَيِّئَةٌ لَا تَنْفَعُ مَعَهَا حَسَنَةٌ[۱]؛ محبت علی بن ابیطالب نیکی‌ای است که با آن هیچ گناهی زیان نمی‌رساند و دشمنی با او گناهی است که هیچ نیکی‌ای به آن سود نمی‌دهد. این حدیث در کتاب‌های: اوائل المقالات شیخ مفید (م ۴۱۳)، الروضه فی فضایل امیرالمؤمنین شاذان بن جبرئیل قمی (م ۶۶۰)، عوالی اللئالی ابن ابی‌جمهور احسایی (م ۸۸۰)، بحارالانوار علامه مجلسی (م ۱۱۱۱) و برخی دیگر از منابع آمده است.

معروف است که حاجب بروجردی، قصیده‌ای زیبا در مدح حضرت امیر(ع) سرود که شاه‌بیت آن این بود: حاجب اگر محاسبه حشر با علی است/ من ضامنم که هر چه بخواهی گناه کن!

همان شب در عالم رؤیا امام را در خواب دید که به او فرمود، شعرت را این‌چنین اصلاح کن:

حاجب اگر محاسبه حشر با علی است شرم از رخ علی کن و کمتر گناه کن!

در نقد چنین تفکری باید گفت: بسندگی محبت اهل بیت(ع) برای سعادت و نجات و عدم نیاز به عمل، با ادله مختلف قابل نقد است. تمام آیات و روایاتی که در این کتاب به آن‌ها اشاره شده و در آن‌ها بر ضرورت عمل در کنار ایمان، تأکید شده است این مدعا را که اگر کسی در قلب خود اهل بیت(ع) را دوست داشته باشد، برای سعادت و نجات او کافی است، رد می‌کند. افزون بر آن، چگونه می‌توان مدعی محبتی شد که به دنبال آن همراهی و هم‌گرایی نباشد و میان محب و محبوب هیچ گونه سنخیتی در عمل و منش مشهود نباشد. چنان‌که قرآن درباره رابطه محبت به خداوند و اطاعت از او چنین آورده است: قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ[۲]؛ بگو: اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد و گناهان شما را بر شما ببخشد، و خداوند آمرزنده مهربان است. چنان‌که پیداست، در این آیه بر ضرورت همراهی با عمل و پیروی از خواسته‌های محبوب تأکید شده است. نیز امام صادق(ع) درباره ضرورت همراهی اطاعت با محبت خداوند فرمودند: «ما احب الله من عصاه»؛ کسی که گناه می‌کند، خدا را دوست نمی‌دارد.

آن‌گاه به این شعر استناد فرمودند:

تعصى الاله و انت تظهر حبه هذا لعمرى فى الفعال بدیع

لو كان حبك صادقا لاطعته ان المحب لمن يحب مطيع[۳]

خدا را معصیت می‌کنی و ادعا می‌کنی که او را دوست می‌داری! به جانم سوگند، این رفتار شگفت‌آور است. اگر محبت تو صادقانه باشد، او را اطاعت می‌کردی، زیرا محب آن را که دوست دارد، اطاعت می‌کند. بنابراین، کسی که مدعی محبت اهل بیت(ع) است، نمی‌تواند خود را از اطاعت آنان بی‌نیاز پندارد.

در نگریستن در روایات ائمه نشان می‌دهد که در آن‌ها بر ضرورت همراهی محبت آنان با عمل و فریفته‌نشدن به صرف محبت، تأکید شده است. برای نمونه، شیخ کلینی در کتاب شریف کافی در بابی با عنوان «بَابُ الطَّاعَةِ وَ التَّقْوَى» روایاتی درباره جایگاه اطاعت و تقوا آورده که در آن‌ها بر عدم کفایت محبت اهل بیت (ع) و حتی ولایت آنان بدون همراهی با عمل صالح، تأکید شده است.

در روایت سوم این باب آمده است: جابر می‌گوید: امام باقر به من فرمود: ای جابر! آیا کسی که ادعای تشیع می‌کند، او را بس است که از محبت ما خانواده دم زند؟! به خدا سوگند، شیعه ما نیست، جز آن‌که از خدا پروا کند و او را اطاعت نماید. ای جابر، ایشان شناخته نشوند، جز با فروتنی، خشوع، امانت‌داری، بسیاری یاد خدا، روزه، نماز، نیکی به والدین، اهتمام به همسایگان، مستمندان، بدهکاران و یتیمان، راستگویی، تلاوت قرآن، نگاه داشتن زبان از مردم جز به نیکی و امانت‌داری در همه چیز در میان تبار خود. جابر می‌گوید عرض کردم: «یا ابن رسول‌الله! ما امروز کسی را دارای این صفات نمی‌شناسیم.»

امام فرمود: ای جابر، به راه‌های مختلف مرو! آیا برای شخص کافی است که بگوید، من علی را دوست دارم و از او پیروی می‌کنم، و با وجود این فعالیت دینی نکند؟! پس اگر بگوید: من رسول‌خدا (ص) را دوست دارم، رسول‌خدا که بهتر از علی است، سپس از رفتار او پیروی نکند و به سنتش عمل ننماید، محبتش به پیغمبر به او هیچ سودی ندهد. پس از خدا پروا کنید و برای آن‌چه نزد خداست عمل کنید. خدا با هیچ‌کس خویشی ندارد؛ دوست‌ترین بندگان خدای عزوجل [و گرامی‌ترینشان نزد او] باتقواترین و مطیع‌ترین آن‌هاست. ای جابر، به خدا جز با اطاعت به خدای تبارک و تعالی نمی‌توان تقرب جست و همراه ما برات آزادی از دوزخ نیست و هیچ کس بر خدا حجت ندارد. هر که مطیع خدا باشد دوست ما و هر که نافرمانی خدا کند دشمن ماست؛ ولایت ما جز با عمل کردن به ورع به دست نیاید. [۴]

در روایت ششم همین باب، امام باقر (ع) شیعه را این‌چنین مورد خطاب قرار داده است: ای گروه شیعه، شیعه آل محمد! شما تکیه‌گاه میانه باشید تا آنکه غلو کرده؛ به‌سوی شما برگردد و آن که عقب مانده خود را به‌شما رساند... به خدا ما از جانب خدا براتی نداریم و میان ما و خدا قرابتی نیست و بر خدا حجتی نداریم و جز با اطاعت به سوی او تقرب نمی‌جویم. پس هر کس از شما که مطیع خدا باشد، دوستی ما سودش دهد و هر کس از شما نافرمانی خدا کند، دوستی ما سودش ندهد. وای بر شما! مبدا فریفته شوید. وای بر شما! مبدا فریفته شوید. [۵]

در روایت دیگر ابی‌شبل می‌گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: مرد مسلمانی مرتکب گناه شده و با کنیز برادر خود مرتکب زنا شده است؛ توبه او چگونه است؟ امام فرمود: «نزد بردارش برود و به او بگوید که چنین کرده است و از او بخواهد که او را حلال کند و دیگر به این کار بازنگردد.» گفتم: اگر او را حلال نکند چه می‌شود؟ امام فرمود: «در این صورت، خداوند متعال را در حالی که زناکار و خائن است، دیدار خواهد کرد.» گفتم: آیا در آتش خواهد افتاد؟ امام فرمود: «شفاعت پیامبر و شفاعت ما، گناهان شما را حبط می‌کند. ای گروه شیعه! با ادعای تکیه‌کردن به شفاعت ما به گناه بازنگردید. سوگند به خدا، کسی که مرتکب چنین گناهی شود به شفاعت ما نایل نمی‌شود، مگر آن‌که سختی عذاب به او برسد و مهابت جهنم را ببیند. [۶]

در روایت دیگر، امام باقر (ع) خطاب به جابر چنین فرمود: بَلِّغْ شِيعَتِي عَنِّي السَّلَامَ، وَ أَعْلِمُهُمْ أَنَّهُ لَا قَرَابَةَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، وَ لَا يَتَقَرَّبُ إِلَيْهِ إِلَّا بِالطَّاعَةِ لَهُ. يَا جَابِرُ، مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ أَحَبَّنَا فَهُوَ وَلِيُّنَا، وَ مَنْ عَصَى اللَّهَ لَمْ يَتَّقَهُ حَقًّا [۷]. به شیعه من سلام مرا برسان و به آنان اعلام کن که میان ما و خداوند متعال قرابت و آشنایی نیست و جز با اطاعت خداوند، تقرب به او حاصل نمی‌شود. ای جابر، هر کس خداوند را اطاعت کند، او ولی ماست و هر کس خداوند را معصیت کند، محبت ما او را سودی نمی‌بخشد.

نکات قابل استفاده از روایات

از روایات پیش‌گفته که بر همراهی محبت اهل بیت (ع) با عمل و اطاعت از خداوند تأکید کرده‌اند، شش نکته مهم قابل استفاده است:

۱. در این روایات، اهل بیت (ع) پیوسته شیعه را با عبارتی همچون «یا معشر الشیعة» مورد خطاب قرار داده‌اند. این امر از اهمیت آموزه‌هایی که در این روایات آمده، حکایت می‌کند. به عبارت دیگر، از این روایات می‌توان دریافت که به‌خاطر احتمال ابتلای شیعه به آسیب‌های رفتاری، اهل بیت آنان را این‌چنین مورد خطاب قرار داده‌اند.

۲. در برخی از این روایات بر عدم کفایت محبت اهل بیت بدون تقوا تأکید شده است؛ نظیر روایت نخست که در آن عبارت: «أَيُّكْتَفِي مَنْ اتَّحَلَ التَّشْيِعَ أَنْ يَقُولَ بِحَيَّتَا أَهْلِ الْبَيْتِ» آمده است. در برخی دیگر از روایات، به عدم کفایت ولایت اهل بیت بدون تقوا توجه شده است؛ نظیر روایت دوم که در آن این عبارت آمده است: «فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مُطِيعاً لِلَّهِ تَتَفَعُّهُ وَلَايَتُنَا وَ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ عَاصِياً لِلَّهِ لَمْ تَتَفَعُّهُ وَلَايَتُنَا».

۳. در بخشی از این روایات آمده که محبت و ولایت اهل بیت بدون تقوا و ورع برای نجات سود نمی بخشد و در بخشی دیگر آمده که بدون تقوا و ورع اساساً ولایت محقق نمی شود. چنان که در روایت نخست، عبارت: «مَا تَفَعُّهُ حَيَّتُهُ إِلَّا هُ شَيْئاً» به عدم سودرسانی محبت اهل بیت ناظر است و عبارت: «مَائِثَالُ وَلَايَتُنَا إِلَّا بِالْعَمَلِ وَ الْوَرَعِ»، بر عدم تحقق ولایت بدون عمل و تقوا تأکید کرده است.

۴. اهل بیت مکرراً این نکته را مورد تأکید قرار دادند که میان آنان و خداوند قرابت و آشنایی وجود ندارد؛ این در حالی است که آنان به جای گاه و مقام خود نزد خداوند، مانند مقام شفاعت اشاره کرده اند (نظیر روایت سوم) نکته بسیار مهم، عبارت: «وَيَحْكُمُ لَا تَعْتَرُوا وَيَحْكُمُ لَا تَعْتَرُوا» است که در روایت دوم آمده است. امام باقر با این عبارت دو بار بر این نکته تأکید کرده است که: ای شیعیان، به محبت و ولایت ما فریفته نشوید. این درست نظیر آن دسته از آیات قرآن است که در آن ها بر فریفته نشدن به رحمت الهی تأکید شده است؛ نظیر آیه: فَلَا تَعْرِتْكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَ لَا يَعْزِتْكُمْ بِاللَّهِ الْعُرُؤُ [۸]. پیداست اهل بیت شیعیان خود را در خطر درغلتیدن در آسیب فریفته شدن به محبت و ولایت آنان می دیدند که این چنین به آنان نهیب زده و به آنان هشدار می دادند که مبدا تنها به محبت و ولایت تکیه کرده و عمل و تقوا را رها سازند.

۵. در روایت دوم به دو گونه آسیب در حوزه رفتاری شیعیان توجه شده است که عبارتند از: ۱. غلو درباره اهل بیت؛ ۲. فریفته شدن به ولایت و محبت آنان و ترک عمل صالح.

۶. شاه بیت این روایات آن است که ولایت و محبت اهل بیت بدون عمل صالح، تقوا و ورع برای تقرب به خداوند، ورود به بهشت و دور ماندن به جهنم کفایت نمی کند. این امر در روایت نخست با ذکر شماری از اعمال صالح در حوزه اخلاق بندگی، همچون نماز و روزه و اخلاق اجتماعی، همچون رسیدگی به همسایگان و مستمندان مورد تأکید قرار گرفته است.

تحلیل روایت «حب علی حسنة»

درباره روایتی که در آن محبت حضرت امیر(ع) حسنه ای اعلام شده که با آن هیچ گناهی زیان نمی رساند، باید گفت که مفهوم این روایت - همان گونه که بزرگان شیعه یادآور شده اند - به هیچ روی چنان نیست که طرفداران اباحه گری مدعی می شوند.

برای نمونه، شیخ مفید معتقد است که خداوند سوگند خورده است که دوست دار علی را در آتش دوزخ نمی سوزاند. بدین جهت، برای کیفر گناهان بزرگش او را در برزخ عذاب می کند. بنابراین، مراد از این روایت رفع عذاب از دوست داران حضرت امیر(ع) در قیامت است، نه آن که مطلقاً عذاب از آنان حتی در برزخ برداشته شود.

نیز به استناد روایاتی از اهل بیت(ع)، شیعیان گناهکار به صورت های مختلف، نظیر بیماری، همسایه و یا همسر ناشایست در دنیا کیفر می بینند و اگر همچنان بدکار خداوند باشند، به هنگام جان دادن بر آنان سخت گرفته می شود. بنابراین، به هر روی آنان باید کیفر کارهای ناشایست خود را پس دهند و چنان نیست که گناه با داشتن محبت اهل بیت(ع) با کیفر همراه نشود.

از سویی دیگر، محبت امام علی(ع) خود زمینه ساز ایمان کامل و تشیع صحیح است. بنابراین، مقصود از بسنده بودن محبت امام علی، کفایت آن بدون عمل نیست، بلکه مقصود بیان اهمیت و نقش آن در ایمان و پای بندی به اعمال صالح است.

یکی از عالمان شیعه در توضیح این حدیث چنین آورده است: باید معنای حدیث را دانست و کسی حق ندارد گمان کند که صرف ادعای محبت علی ارتکاب محرمات، ترک عبادات و گستاخی در انجام گناهان را تجویز می کند، زیرا محب هیچ گاه مخالف رضای محبوب خود عملی را مرتکب نمی شود. پس گمان نبر اگر کسی بگوید که من علی را دوست دارم و او را ولی خود می دانم، آن گاه در معاصی غوطه ور شود، از آخرت و عذاب آن در امان است؛ نه هرگز چنین نیست. [۹] طریحی نیز پس از نقل این روایت، چنین می گوید: ظاهراً مقصود از محبت، محبت کامل است که سایر اعمال بدان افزوده می شود، زیرا ایمان کامل حقیقی همین است؛ اما غیر از آن یعنی ایمان بدون عمل، ایمان مجازی خواهد بود.

پی نوشتها:

[۱] . بحارالانوار، ج ۳۹، ص ۲۳۸.

[۲] . آل عمران، آیه ۳۱.

[۳] . الامالی، ص ۴۸۹.

[۴] . کافی، ج ۲، ص ۷۴.

[۵] . همان، ج ۵، ص ۴۶۹.

[۶] . همان، ج ۵، ص ۴۶۹.

[۷] . الامالی، ص ۲۹۶.

[۸] . لقمان، آیه ۳۳.

[۹] . الخصائص الفاطمیه، ج ۲، ص ۴۳۶.